

*Two seasons of a promotion, The
Quran and Science studies
Vol. ۲, No. ۴,
Fall & Winter ۲۰۱۸
P ۶۷- ۹۸*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن و علوم
س ۲ ش ۴ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۶۷ تا ۹۸

بررسی روش‌های تحقیق مطالعات میان رشته‌ای و کاربردی آن در تفسیر مدیریتی قرآن

علی آقا صفری*

چکیده

انتظار رشد و پیشرفت جامع و متوازن از طریق آموزه‌های وحیانی، اقتضای پژوهش‌های سامانمند در حوزه روش‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای را دارد. مسئله سازوکار روش‌شناسی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در منظومه مدیریت دینی، سطح میان منظومه‌ای، عملیاتی، مدل مفهومی و زیرگونه‌های آن را در بردارد. به‌منظور درک و شناسایی روش‌شناسی مطلوب قرآنی، ناگزیر به گذار از رویکرد جزءنگر حوزه‌های رشته‌ای به رویکرد بین‌رشته‌ای و چند رشته‌ای در مطالعات قرآنی در عرصه مدیریت و سازمان هستیم، از این رو، این تحقیق، با روش توصیفی - تحلیلی مهم‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات سازمانی که بیشترین ظرفیت کاربرد در مطالعات میان‌رشته‌ای را دارند جمع‌آوری شده و مواردی که در تفسیر مدیریتی قرآن کریم قابلیت کاربردی دارد را با استناد به آموزه‌های وحیانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده

*. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه (ص)، مجتمع

آموزش عالی قرآن و حدیث، a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com

است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عمده روش‌هایی که در مطالعات میان‌رشته‌ای در توصیف، تبیین، کشف و استخراج آموزه‌های وحیانی کاربرد دارند عبارت‌اند از: روش‌های فرا تحلیل «meta-analysis»، گراند تئوری «Grounded Theory»، تحلیل مضمون یا شبکه مضامین «Thematic Analysis»، تحلیل گفتمان «Discourse analysis»، تحلیل محتوا «content analysis» و حکمی - اجتهادی «Wisdom-Ijtihad» افزون بر آن، روشن شد که هرچند متدهای یاد شده در مباحث مدیریتی از روایی و پایایی بالایی برخوردار می‌باشد، ولی در حوزه مطالعات قرآنی هنوز به صورت ساختارمند از ظرفیت کارکردی آنها به صورت شایسته بهره گرفته نشده است.

واژگان کلیدی:

قرآن، مدیریت، روش، روش‌های تحقیق، مطالعات میان‌رشته‌ای.

مقدمه

مطالعه میان‌رشته‌ای، دانش ورزی و پژوهش مبتنی بر تعامل اثربخش بین گستره‌ها و رهیافت‌های دانش‌های مختلف در مقام حل مسئله واحد به مدد منظومه تعریف شده‌ای از روش‌ها در ذیل یک الگو و برنامه پویای معین است (فرامرز قرا ملکی، ۱۳۹۲: ۲۲). برخی از دانشمندان ردپای مفهوم این نوع از مطالعات را به یونان باستان می‌رسانند (سیاری و فرامرز قرا ملکی، ۱۳۸۹: ۵۹ - ۸۲) ولی به باور کلاین سابقه و خاستگاه این گونه از مطالعات به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر می‌گردد (نیکول، ۱۳۸۸: ۱۲)، البته طرح مطالعات میان‌رشته‌ای نزد دانشمندان علوم انسانی اولین بار به کتاب «روش‌شناسی مطالعات دینی» آقای فرامرز قرا ملکی که در سال ۱۳۸۰ منتشر شد باز می‌گردد.

عمده دلیل شکل‌گیری و روی‌آوری به مطالعات میان رشته‌ای این است که «رشته‌های بین‌رشته‌ای فرایندی برای پاسخ به یک سؤال، حل یک مسئله، با پرداختن به موضوعی است که به دلیل پیچیدگی با گستردگی آن نمی‌توان با یک رشته تخصصی، به‌طور دقیق، به مطالعه آن همت گماشت. از این رو، برای شناخت جامع‌تر و ژرف‌تر، توجه به نگرش‌های مختلف و ترکیب بینش‌ها ضروری است» (Repko, ۲۰۰۵: ۴۵-۴۸) غرض آنکه برای حل مسائل پیچیده و توسعه پاسخ برای پرسش‌های چندوجهی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، به یک ضرورت واقعی در دنیای علم، دانش و فناوری تبدیل شده است؛ از این رو دغدغه اصلی در مطالعات میان‌رشته‌ای «نیل به شناخت جامع و مبسوط به پدیده‌ای پیچیده و یا ابداع پدیده‌ای پیچیده و جدید می‌باشد» (Newell, W. H. (۲۰۰۷), Vol. ۲۹, No. ۴)، بی‌تردید با توسعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم مختلف فراهم می‌گردد.

(Palmer, Carole ۱۹۹۹: ۲۵۳-۲۴۲) تعاریف مختلف و گوناگونی از مطالعات میان‌رشته‌ای ارائه شده است که جهت شناخت و روشن شدن حدود و ثغور آن به چندتان از آنها اشاره می‌شود:

منسیل و گاردنر مطالعات میان‌رشته‌ای را شیوه‌ای می‌دانند که دانش و حالات تفکر را از نظام‌های گوناگون به گونه‌ای یکپارچه می‌کند که با اشکال روشمند ارتباطی و انتخاب‌های پویا شامل سه ویژگی سازگار توازن و اثربخشی باشد (Mansilla & Gardiner, ۲۰۰۳: ۲۵).

در تعریف دقیق دیگر از مطالعات میان‌رشته‌ای این گونه آمده است که «مطالعات میان رشته‌ای کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر گفت‌وگو و چالش مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسئله‌ای واحد است. به دیگر سخن، شناخت یک پدیدار در پرتو گفت و گوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است» (فرامرزی قرا ملکی، ۱۳۸۰: ۳۳۴)، تا اینجا اهمیت بحث و جایگاه و کارکردهای آن در حوزه حل مسائل دانشی مشخص گردید اما اینکه این روش چه ضرورت و کارکردهایی در حوزه قرآن کریم دارد؟ می‌توان گفت که بسیاری از مسائل و موضوعات قرآنی چند تباری هستند و فهم و درک صحیح آن‌ها منوط به تحقیق و مطالعه میان‌رشته‌ای است که در صورت تحقق آن شاهد رشد و بالندگی در حوزه پژوهش‌های قرآنی خواهیم بود. البته ضروری است که محقق و پژوهشگر در مطالعات میان‌رشته‌ای به اصول زیر توجه خاص داشته باشد:

۱. دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند؛
۲. سخن دیگران را باید با هم دلی و در عین حال، نقادانه شنید؛
۳. چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین رویکردهاست؛

۴. در چالش بین رهیافت‌ها، می‌توان از روش‌های مطالعه‌ی تطبیقی بهره جست.

(فرامرز قرا ملکی، ۱۳۸۰: ۳۳۴)

بر پایه مطالب یاد شده ضرورت و اهمیت و منافع پژوهش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای مشخص گردید حال سؤال این است که مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن و علوم با گرایش مدیریت با چه روش‌های قابل‌بیگیری و بحث و بررسی است که در ذیل اهم روش‌های مطرح شده در این حوزه را به صورت اجمال مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. البته لازم به ذکر است که هرچند تحقیقات کیفی در علوم اجتماعی (از جمله مدیریت) رشد چشمگیری دارد (۱۰۱-۷۷، ۲۰۰۶، Braun, V. & Clarke, V.) و استفاده از تحلیل‌های کیفی، امیدوارکننده است، اما همچنان به ابزارهای پیشرفته‌تری جهت تسهیل این تحلیل‌ها، نیاز است (عابدی جعفری و همکاران: ۱۳۹۰: ۱۵۲).

۱. روش فرا تحلیل «meta-analysis»

یکی از روش‌های پذیرفته شده در علوم انسانی روش فرا تحلیل است که در آن از روش‌های آماری و ریاضی استفاده شده و از هرگونه پیش‌داوری درباره کیفیت تحقیق منع شده است. این روش در سال ۱۹۷۶ توسط گلاس به صورت رسمی به کار رفته است (Glass, G. V. Primary, ۱۹۷۶: ۸-۳) وی درباره این روش می‌نویسد: «فرا-تحلیل اشاره به تحلیل تحلیل‌ها دارد... این روش بدیل جدی برای بحث‌های علی، شرح جزئیات مطالعات تحقیقی است که کوشش‌های ما را برای معنی دار کردن ادبیات تحقیق که به سرعت گسترش می‌یابد، راهنمایی می‌کند» (Glass, G.V ۱۹۷۷: ۳۰)، در تعریف دیگر از این روش آمده است که «فرا تحلیل روشی است برای تجزیه و ترکیب واحدهای تحلیل برای حصول شناخت از مجموعه منسجم یا غیر منسجم از مبانی علمی و سازه‌های

پژوهشی» (Doyle, I, H, ۲۰۰۳ : ۳, ۳۴۵-۳۲۱) و نیز درباره تمایز و خصوصیات بارز این روش با سایر روش‌های پذیرفته شده نوشته‌اند که «مطالعه نتایج، یافته‌ها و نظریه‌ها با رویکردی عمدتاً انتقادی از خصوصیات بارز این روش است» و دادهیر، ۱۳۸۹: ش ۲۲، ۲۴-۴۵)، به نظر چیو و برینو «فرا- تحلیل بر این اصل متکی است که نتایج تحقیقی که بر اساس متغیرهای مستقل هستند، می‌توانند ترکیب شوند تا یک مرور کلی موضوع مورد مطالعه و یک چشم انداز وسیع‌تر درباره اثرات عناصر طرح مورد آزمایش را ارائه دهند» (Chiu, Irene & Brennau, ۱۹۹۰: Vol ۱, PP.۱۳-۱۸)

عمده مزیت‌های روش فرا تحلیل در حوزه مسائل علوم انسانی برای ترکیب و تلفیق پژوهش‌های کمی موارد ذیل است. ۱. در این روش اندازه اثر مورد اشاره در هر پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد برای مثال، فرا تحلیل نه تنها خواننده را از تفاوت نمرات گروه آزمایشی و گروه گواه در یک آزمون معیار آگاه می‌سازد، بلکه میزان این تفاوت را نیز مشخص می‌نماید. ۲. این روش مقیاسی به نام اندازه اثر ارائه می‌کند که قابل کاربرد برای همه آمارها و مقیاس‌ها است؛ این ویژگی مهمی است؛ زیرا پژوهش‌های مختلف درباره یک مسئله پژوهشی از طرح‌های پژوهشی، مقیاس‌ها و آمارهای متفاوت استفاده می‌کنند. ۳. از دیگر مزیت‌های این روش این است که امکان بررسی میزان تأثیر خصوصیات ویژه هر یک از پژوهش‌ها را بر نتایج تحقیق مشخص می‌نماید. (گال، والتر، ۱۹۹۶: ۲۴۵)

از این رو است که می‌گویند فرا تحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. (دلاور، ۱۳۷۶: ۲۸۸)

البته از نظر روش شناختی نیز گفته‌اند که این روش می‌تواند به روشنی خلأها و مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان دهد. در حقیقت پایایی این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی آن‌ها از طریق آزمون سازگاری آن‌ها با واقعیت به دست می‌آید و هر دو این‌ها مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فرا تحلیل است (Scherpenzeel, A ۱۹۹۷: ۲۵, ۳۴۱). (۱۹۹۷).

اینکه مراحل و اجرای روش فرا تحلیل به چه شکلی باشد انواعی مختلفی از رویه‌ها و روش‌ها را به کار برده‌اند که به نظر نگارنده این سطور رعایت و اجرای موارد زیر لازم و ضروری است. ۱. صورت بندی مسئله ۲. جمع‌آوری داده‌ها، ۳. ارزیابی و ارزشیابی داده‌ها، ۴. تجزیه و تحلیل و تفسیر ۵. ارائه و برآیند نتایج. تفصیل هریک از موارد پنج‌گانه در مقاله فرا- تحلیل روشی برای مطالعه مطالعات، آقای محمد تقی ایمان، خواجه نوری بیژن، به تفصیل تشریح و تبیین شده است (ر.ک: ایمان و بیژن، ۱۳۸۵: ش ۴۹، ۱۲-۸۳).

استفاده و بهره‌گیری از این روش در تفسیر مدیریتی آموزه‌های وحیانی چگونه است؟ می‌توان گفت جهت استفاده از این روش، قرآن پژوهش ابتدا موضوع را مشخص و معین می‌کند به‌عنوان مثال «تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی» در گام بعدی تمام تحقیقات صورت گرفته در این حوزه را مجدداً بازخوانی و مورد مطالعه قرار داده با یکدیگر مقایسه می‌کند تا از این رهگذر به اطلاعاتی دست رسی پیدا کند که اطلاعات اولیه موجود در پژوهش‌های گذشته، آن را نشان نمی‌دهد است (ر.ک: رضوانی، ۱۳۹۰:

(۱۰۱).

در مرحله بعد اهداف معین شده در طرح پژوهش (کمیت، کیفیت و نظریه‌پردازی درآیات تصمیم‌گیری) مدنظر قرار می‌گیرد و فیش‌برداری با توجه به اهداف مذکور از منابع مدیریت اسلامی انجام می‌گیرد پس از بررسی منابع تعیین گشته و کدگذاری

می‌شوند، در مرحله بعد کمیت آیات روشن می‌گردد و پس از آن موضوعات و عناوین مطرح شده با توجه به آیات قرآن کریم به صورت جدول ترسیم خواهد شد و در مرحله بعدی طبقه‌بندی جدیدی از موضوعات مطروحه ارائه می‌گردد و در مرحله آخرین تحلیل موضوع تصمیم‌گیری در آیات قرآن در منابع مذکور، از دیدگاه نظریه‌پردازی و تولید نظریه قرآنی مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (ر.ک: میرزا اف، ۱۳۹۶: ۱۰۵/۲).

نمونه دیگری که می‌توان کاربرد و چگونگی استفاده از این روش را در تفسیر مدیریتی آیات قرآن کریم به تصویر کشید واژه‌هایی است که بار معنایی مدیریتی دارند. به عنوان مثال واژه «امت» که به صورت‌های گوناگون و اشکال مختلف ۶۴ مرتبه و به شش معنا در کلام وحی به کار رفته است که عبارتند از: ۱) جماعت و گروه انسانی؛ ۲) رهبر، الگو و اسوه؛ ۳) دین و مکتب خاص، شیوه و روش؛ ۴) گروه از جاندارانچه انسان باشند و یا سایر حیوانات؛ ۵) زمان و مدت؛ ۶) گروه و جماعتی که علم و عمل و ایمان را بر گزیده‌اند (مرادخانی، ۱۳۸۶: ۱۶). در این مورد بین مفسرین و دانشمندان راجع به اصالت فرد و جامعه که مفهوم مدیریتی آن سازمان می‌باشد اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای با استناد به آیات کلام وحی قائل به اصالت جامعه هستند آیات مورد استناد: الف) آیاتی که برای هر امت و طایفه، روش و منش ویژه‌ای قائل هستند (اعراف/۱۸۱). ب) آیاتی که برای جامعه ملاک و فهم برای داوری قائل است (انعام/۱۰۸؛ توبه/۳۷). ج) آیاتی که به اقوام و جوامع نسبت اطاعت و معصیت می‌دهد (هود/۵۹؛ یونس/۴۷). د) آیاتی که برای امت‌ها حیات و موت معرفی می‌فرمایند (اعراف/۳۴؛ مومنون/۴). ه) داشتن کتاب مستقل اعمال برای هر امتی (جاثیه: ۲۸). و) استناد اعمال جامعه به کل جامعه به دلیل وحدت حقیقی آن (هود/۶۵).

برخی دیگر به این مطلب اذعان دارند که در جامعه علاوه بر شعور و وجدان و اراده و اندیشه فردی افراد، شعور و وجدان جدیدی به وجود می‌آید که بر شعور و وجدان افراد غلبه دارد و در جواب کسانی که به اصالت محض جامعه و سازمان معتقدند قایلند به این نکته که این آیات بر اصالت جامعه و سازمان دلالت ندارد بلکه به این امر دلالت دارد که افراد و جامعه و سازمان هر کدام دارای وجود خاصی می‌باشند، لیکن جامعه وجودش جدای از وجود افراد نیست، البته از جهت تن و جسم ولی از جهت فرهنگ و فکر، جامعه برای خود دارای وجود مستقل و هویت مستقلی جدای از افراد است که این وجود عینی و حقیقی بوده و نوعی حیات مستقل دارند. (ر.ک: مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۸: ۲۱۲-۲۳۰).

با در نظر گرفتن دیدگاه‌های ذکر شده و تحلیل آیات مربوطه از طریق بهره‌گیری از روش فرا تحلیل می‌توان به این نتیجه رسید که فرد و سازمان هر دو اصالت و هویت مستقل دارند. البته لازم به ذکر است که کاربرست دقیق این روش نیازمند تأمل و تعمق فراوانی است تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

۲. روش گراند تئوری «Grounded Theory»

روش گراند تئوری که در فارسی به شکل‌های مختلفی ترجمه شده است از جمله، نظریه بنیادی، نظریه مبتنی بر داده‌ها، نظریه مفهوم‌سازی بنیادی (دانایی فرد، ۱۳۹۶: ۱۳۰). یک روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۳۶۷ توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، بارنی گلیسر (متولد ۱۹۳۰م) و آنسلم استراوس در یک همکاری پژوهشی موفق در بین بیماران لاعلاج مرکز درمانی دانشگاه ایالت کالیفرنیا و سانفرانسیسکو به منظور مطالعه این بیماران ایجاد و به صورت نظام‌مند و مستند در کتاب «آگاهی از مرگ» (Awareness of Dying) منتشر شد. گراند تئوری یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به شکل نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود. ضروری است برای شناخت صحیح چند تعریف از این روش را مرور کنیم:

الف) گراند تئوری یک روش «استقرایی» کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از «ویژگی‌های عمومی موضوع» پرورش دهد، در حالی که به هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده‌ها محکم می‌سازد (Martin & Turner, ۱۹۸۶, p.۱۴۱; Fernández, ۲۰۰۴, p.۸۴).

ب) گراند تئوری در ساده‌ترین شکل ممکن عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخگویی بر پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند. (منصوریان، ۱۳۸۶).

ج) نظریه‌پردازی داده، روالی نظام‌مند و کیفی است، جهت تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش، یا برهم کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی (substantive topic)، در «سطح مفهومی کلی» تشریح کند. (Creswell, J. w. ۲۰۰۵).

د) نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به‌جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. این کار، نظریه را به‌عنوان یک فرایند، مورد تأکید قرار می‌دهد، یعنی به‌جای یک فرآورده تکمیل شده، آن را موجودیتی پیوسته در حال تکوین تلقی می‌کند. قابلیت تعمیم در اینجا عامل مؤثری نیست. زیرا هدف، درک پدیده است نه کنترل آن و منظور ادراک شرایط در یک محیط خاص و به همان شکل موجود است، نه پیش بینی آنچه که ممکن است در محیط‌های مشابه اتفاق بیفتد و تحقیق بر آن است که چرایی رفتارهای افراد را درک کند. (منصوریان، ۱۳۸۶)

بر پایه تعاریف ذکر شده از این تئوری به دست می‌آید که ملاک و معیار گردآوری داده‌ها اطلاعاتی است که از محیط واقعی و در شرایط واقعی به دست می‌آید نه از یافته‌های که در ذهن پژوهشگر وجود دارد به عبارت دیگر نظریه داده بنیاد روشی است برای معرفت و شناخت پیرامون موضوعات و مباحث که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است ولی با استمداد و بهره‌گیری از این تئوری در صدد تولید یک نظریه‌ی مستند و مدون از طریق گردآوری روشمند و سازمان یافته‌ی داده‌ها و تحلیل استقرایی آن‌ها به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین اقدام می‌کنیم.

در تعریف و تبیین این روش تصریح و تأکید شده است به اینکه این تئوری یک روش مطالعه استقرایی و قیاسی است. منظور از استقرایی یعنی: «تئوری از مشاهدات خاص و داده‌های زمینه‌ای پس از فرضیه‌سازی استخراج می‌شود و قیاسی به این معنا است که محقق سپس از فرضیه و تئوری تولید شده به داده‌های زمینه‌ای برگشته و با

جمع‌آوری داده‌های بیشتر و استدلال و شواهد عینی‌تر به آزمون و توسعه و تکامل آن می‌پردازد. این پژوهش‌ها در جستجوی فهم نگرش‌ها، رویکردها، احساسات و چگونگی و چرایی تعامل انسان‌ها با یکدیگر و با محیط اطراف خود هستند و به هیچ نوع داده خاص، راهبرد پژوهشی، یا علائق نظری مشخص تعهدی ندارد و تنها در پی توسعه مفاهیم است. در واقع، ترکیب داده‌ها در قالب چهارچوب‌های مفهومی است. که در رفت و برگشت دائم میان داده‌ها و تحلیل‌ها ساخته می‌شود یعنی از جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها به دست می‌آید» (ذکایی، ۱۳۸۱: صص ۶۹-۴۱).

تعاریف ذکر شده اصل تئوری را مشخص نمود حال این سؤال مطرح می‌شود که فرایند و چگونگی اجرای پژوهش به شیوه گراند تئوری به چه شکل است که می‌توان به صورت مختصر محورهای اصلی آن را به صورت تیتروار گزارش نمود:

۱. تئوری پرسش‌های پژوهش
۲. گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع می‌رسیم
۳. کد گذاری داده‌ها در سه مرحله (یافتن مفاهیم در داده‌ها)
۴. کد گذاری آزاد
۵. کد گذاری محوری
۶. کد گذاری انتخابی (گزینشی)

لازم به یادآوری است که دغدغه اصلی در این روش ارتباط و پیوند محکم بین نظریه و داده‌ها می‌باشد تا جای که نظریه‌ای که با این روش ارائه می‌شود حداقل باید با یک مورد تطبیق کامل داشته باشد.

البته استفاده مطلوب از این روش نیازمند برخورداری از حساسیت نظری و قدرت تجزیه و تحلیل بالا است پژوهشگری می‌تواند از این روش بهره بگیرد که دارای بصیرت و مهارت و استعداد درک و فهم باشد؛ زیرا پژوهش کیفی در پی معنا دادن به داده‌ها است و این امر منوط به تجربه، دانش و سرکار داشتن به یک مقوله به طور مستمر می‌باشد.

چگونگی استفاده از این روش در تفسیر و برداشت مدیریتی از آیات کلام وحی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی پایه‌های نظری تعالی فرد در سازمان از دیدگاه قرآن کریم» (علایی زاده، ۱۳۹۴: س ۲۳، ش ۴، ۱۵۳-۱۳۳)، به این شکل بیان شده است. در گام اول: به کدگذاری باز - استخراج مضامین اقدام شده، قرآن کریم بدقت مورد مطالعه قرار گرفته و آیاتی انتخاب می‌شوند که به گونه‌ای با الگوی پایه‌های نظری از دیدگاه قرآن کریم مربوط باشد. هدف از کدگذاری باز تجزیه مجموعه داده‌ی گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزاء مفهومی ممکن است. در گام‌های بعدی کار محقق مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم استخراج شده از دل داده است که ضمن دو مرحله؛ یعنی کدگذاری محوری و انتخابی انجام می‌شود به این ترتیب که در گام دوم از طریق کدگذاری محوری استخراج مفاهیم، آیات مورد مطالعه قرار گرفته و مضامین آیات استخراج می‌شود. در گام سوم به وسیله‌ی کدگذاری انتخابی و استخراج مقوله‌ها، مضامین در قالب مفاهیم جمع‌بندی می‌شود و در گام چهارم، مقوله‌ها از مفاهیم به دست آمده و الگوسازی خواهد شد.

نویسنده مقاله ذکر شده با بهره‌گیری از این روش به مطالعه آیات کریمه، انتخاب، استخراج و دسته‌بندی آن‌ها به تبیین مضامین، مفاهیم و مقوله‌هایی پرداخته و اذعان نموده است که تعالی افراد انسانی در سازمان از اولویت‌های اساسی بوده و تعالی آن منوط به ایمان به خدای سبحان و انجام عمل صالح است اگر افراد سازمان ملتزم به این دو عنصر

محوری باشند می‌توانند مدارج تعالی را به نحوی اکمل و احسن طی نموده به مراتب اعلی انسانی دست یابند و با تمام دشواری‌ها و ضعف‌ها و کاستی‌ها مقابله کنند.

وی در انتهای مقاله با نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش خویش تصریح و تأکید می‌کند که خداوند یکتا خالق، مالک و مدبر هستی با فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی به مثابه راهنما و فرستادن پیامبران به منزله راهنمایان و اسوه‌های تعالی به انسان کمک فرموده است تا با پذیرش ولایت الهی با بهره‌گیری از استعدادهای فطری خدادادی (تفکر و تعقل و تفقه و...)، رعایت موازین تقوایی و اطاعت از اوامر و نواهی الهی، مبارزه با ظلم و جهل و هوای نفس و شیطان و نفی طواغیت، زمینه بندگی مطلق ذات اقدس حق را فراهم آورد و خویشتن را با اذن الهی از حسیض ذلت (مرتبه ظلوم و جهول) به حیات پاکیزه یعنی اوج عزت و تعالی (مقام خلیفه‌اللهی) در این سرا و مقام قرب الهی در سرای واپسین برساند.

۳. روش تحلیل مضمون یا شبکه مضامین (Thematic Analysis)

تحلیل مضمون، یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی (Thematic Analysis) است و مهارت‌های اساسی مورد نیاز جهت بسیاری از تحلیل‌های کیفی را ممکن می‌سازد (Holloway, I. & Todres, L. ۲۰۰۳) به عبارت دیگر تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی بوده و فرایندی است برای تحلیل داده‌های متنی؛ بدین معنا که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و مفصل تبدیل می‌کند. این روش فرایندی است که در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود. (Boyatzis, R. E. ۱۹۹۸: p.۴) و از آن به راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها نام برده‌اند که بوسیله آن داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و

مهندسی مجدد می‌شوند؛ (کمالی، ۱۳۹۷: س ۴، شماره ۲، ۱۸۹-۲۰۸). لذا صاحب‌نظران این حوزه تصریح کرده‌اند که تحلیل مضمون اساساً راهبرد توصیفی است برای تسهیل یافتن الگوها و مفاهیم مهم از درون طیفی از داده‌های کیفی (Given L. M. ۲۰۰۸: vol. ۱-۲).

لازم به ذکر است که استفاده و اجرای روش تحلیل مضمون نیازمند مراحل و گام‌های ذیل است:

۱. آشنایی با داده‌ها

در روش تحلیل مضمون، ضروری است پژوهشگر به عمق و غنای داده‌ها کاملاً آگاهی یافته و آشنا گردد. این آگاهی نیازمند مطالعه داده‌ها به روشی فعال است تا ایده‌های خوبی در زمینه کدگذاری برای محقق شکل بگیرد (عابدی جعفری، ۱۳۹۰: س ۵، ش ۲، ۱۵۱-۱۷۹). به دیگر سخن تا زمانی که کاوشگر و محقق داده‌ها را به خوبی شناسایی و احصا نکند و به معانی نهفته آنها پی نبرد نمی‌تواند به نحو احسن کد گذاری نماید و به نتیجه مطلوب برسد. از این رو ضروری است که قبل از کد گذاری اطلاعات کافی و کامل از داده‌ها حاصل گردد.

۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری

در این گام، از کدها جهت تقسیم داده‌های متنی به بخش‌های قابل فهم و درک مانند بند، عبارت، کلمه یا معیارهای دیگری که برای تحلیل خاص ضروری است استفاده می‌شود. کدگذاری، باید دارای حد و مرز مشخص و محدود به قلمرو پژوهش بوده و بر

موضوع، تمرکز داشته باشد (Attride-Stirling J. ۲۰۰۱: Vol. ۱, No. ۳, Pp. ۳۸۵-۴۰۵).

۳. جست‌وجو و شناخت مضامین

بعد از آشنایی قابل قبول با داده‌ها و کدگذاری، کدها تجزیه و تحلیل شده و به چگونگی ترکیب و تلفیق کدهای مختلف برای شکل‌گیری مضمون پایه، توجه می‌شود. محقق می‌تواند در این مرحله از شکل، نمودار، جدول، نقشه‌های ذهنی و یا نوشتن نام هر کد همراه با توضیح کوتاهی و قرار دادن آن در ستون مضمون مرتبط، جهت مرتب نمودن کدهای گوناگون در قالب مضامین بهره ببرد.

۴. ترسیم شبکه مضامین

در این گام، پژوهشگر مجموعه و طیفی از مضامین را پیشنهاد کرده و اقدام به پالایش آن‌ها می‌نماید. مضامین شناخته شده، منبع اصلی شکل‌گیری شبکه مضامین بوده و از این رو، داده‌های درون هر مضمون لازم است از جهت معنا و مفهوم، با هم منسجم و هم‌خوان باشند.

۵. تحلیل شبکه مضامین

در این گام، پژوهشگر با توجه به شبکه مضامین رضایت بخشی که رسیده است، مجاز خواهد بود مضامین پیشنهاد شده برای تحلیل داده‌ها را تعریف و تعدیل، و داده‌ها را بر پایه آن‌ها پردازش و تحلیل نماید. در این گام، شبکه‌های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود و برای محقق لازم است به مضامین خود، عنوان مشخصی داده و نام‌هایی را که در تحلیل نهایی خود می‌خواهد بیاورد ذکر نماید.

۶. تدوین گزارش

در این مرحله که آخرین گام از آن یاد می‌شود، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق، انجام می‌گیرد. هدف از نوشتن تحلیل مضمون این است که حکایت کامل و پیچیده موجود در داده‌ها به گونه‌ای بیان شود که خواننده درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل پژوهشگر، متقاعد شود. مهم این است که تحلیل، حکایت مختصر، منسجم، منطقی، جدید و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، عرضه کند. گزارش، باید شواهد کافی و مناسبی درباره مضامین موجود در داده‌ها فراهم کند و داده‌های کافی برای هر مضمون، عرضه شود (همان: ۱۸۳).

با توجه به این‌که ابزارها و روش‌های تحلیلی تحلیل مضمون، طیف و مجموعه گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در بر می‌گیرد، ضروری است که در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد. تحلیل مقایسه‌ای یکی از آن روش‌ها است (همان: ۱۷۴)، که متناسب با ماهیت، اهداف و پرسش‌های پژوهش کار برد ارزشمندی دارد. بنابراین، از آنجا که یکی از روش‌هایی که همراه با تحلیل مضمون به کار می‌رود، تحلیل مقایسه‌ای است، این روش کار برد جدی و

معناداری در کشف، تبیین و کاربردی کردن گزاره‌های مدیریتی قرآن کریم و مقایسه آن با گزاره‌های مدیریتی موجود در ادبیات دانش سازمان و مدیریت غرب دارد؛ تا ضمن مقایسه و تطبیق، شباهت‌ها (اشتراکات) و تفاوت‌ها (افتراقات) شناسایی شده، برتری دیدگاه مدیریتی قرآن به اثبات رسیده و زمینه و بستر نقد قرآنی مکاتب مدیریتی غربی فراهم گردد. به‌عنوان نمونه با شناسایی و جمع‌آوری و جستجو و تحقیق در مضامین آیاتی که درباره انسان و نیازهای اساسی آن نازل شده می‌توان به این نکته دست یافت که قرآن کریم از انسان محقق و انسان مطلوب چه تصویری ارائه می‌دهد و نیازهای اساسی و واقعی آن را چگونه ترسیم می‌کند؛ از این رهگذر می‌توان تفاوت و تمایز آموزه‌های وحیانی با داده‌های دانش مدیریت و سازمان درباره انسان و نیازهای واقعی آن را فهم و درک نمود.

۴. روش تحلیل گفتمان (Discourse analysis)

یکی دیگر از روش‌های کیفی قابل استفاده در مطالعات میان‌رشته‌ای روش تحلیل گفتمان است که در فارسی از آن به «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» (فر کلاف، ۱۳۹۷: ۸) یاد می‌شود. اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زبان‌شناس معروف و شناخته شده انگلیسی «زلیک هرپس» به کار رفته است (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۸). دغدغه اصلی در این روش این است که تحلیل‌گر با تحلیل و تفسیر متن، معنای نهفته در داده‌ها را کشف کند؛ لهادست که گفته‌اند تحلیل گفتمان به معنای کشف معنای ظاهری و مستتر در جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند (بشیر، ۱۳۸۵: ش ۱۴) و آنچه در این روش مهم است چگونگی

تولید و سامان گرفتن یک متن کتبی یا شفاهی از جانب تولید کننده و فرایند درک آن از سوی مخاطب (صلح جو، ۱۳۸۸: ش ۸، ۲۳-۲۵)، می باشد.

این روش هم مانند سایر روش‌ها تعاریف فراوانی از آن شده است که بر شمردن تمام آن تعاریف کاری بسیار دشواری بوده و در فایده‌ی آن نیز جای تأمل است. از این رو است که ون دایک می‌گوید: «مفهوم گفتمان نیز، مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم است» (دایک، ۱۳۸۲: ۲۹)؛ بنابراین ارائه یک تعریف واحد از تحلیل گفتمان که جامع و مانع بوده و مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق باشد، کاری بس مشکل است. لذا به برخی از مهم‌ترین تعاریفی که کمک شایانی در جهت فهم و درک این روش می‌کنند اکتفا می‌شود: دیان مک دانل در تعریف تحلیل گفتمان می‌نویسد: «گفتمان هر نوع گفتار و کلام و نوشتاری را که در جریان اجتماعی شکل می‌گیرد، شامل می‌شود» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۰)، از دیدگاه یول و براون تحلیل گفتمان در کتاب تحلیل انتقادی گفتمان این چنین تعریف شده است: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آورده‌اند» (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۹)، و نیز گفته‌اند: «تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته (یا متن) کارکردهای فکری اجتماعی. در عمل تحلیل گفتمان در صدد کشف و تبیین ارتباط بین ساختار دیدگاه‌های فکری اجتماعی و ساختارهای گفتمانی است» (یار محمدی، خسروی نیک، ۱۳۸۲: ش ۴۲، ۱۷۳).

همچنین شیفرین و استابز در تعریف این روش گفته‌اند که: «تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای

زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار بدهد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

رویکرد نوین تحلیل گفتمان که به آن تحلیل گفتمان انتقادی گفته می‌شود، دلالت‌های برون‌متنی معیار تحلیلگر در فرایند تحلیل گفتمان است. بر اساس این رویکرد، زبان، خواه به شکل گفتاری و خواه به صورت نوشتاری نوعی عمل اجتماعی است و عواملی همچون بافت تاریخی و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیکی متن را به وجود می‌آورند (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۹-۲۲۰).

بر پایه تعاریف ذکر شده می‌توان گفت شالوده‌ها و بنیان‌های بیشتر تعاریف و نظریات این حوزه در واقع به کشف تعاملات زبان با ساختارهای فکری - اجتماعی در متون گفتاری یا نوشتاری می‌پردازد و چگونگی شکل‌گیری معنا در ارتباط با عوامل درون زبانی و برون زبانی را مطالعه و به تصویر می‌کشند.

درباره قلمرو و دایره شمول و استخدام این روش گفته‌اند: «تحلیل گفتمان می‌تواند در مورد هر زمینه‌ای و یا در مورد هر مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود چون تحلیل گفتمان اساساً یک خوانش تفسیری و ساختاری است، پس از هیچ رهنمود ویژه‌ای پیروی نمی‌کند» (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۴۱). و اما اینکه این روش چه اهدافی را دنبال

۸۶ می‌کند متخصصان این حوزه می‌گویند: مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان چند تا است. ۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده؛ ۲- روش ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن؛ ۳- نشان دادن تأثیر بافت متن (واحدهای زبانی، محیط بلافصل مربوط به کل نظام زبانی) بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر گفتمان؛ ۴- نشان دادن موقعیت و زمینه‌های خاص تولید کننده گفتمان؛ ۵- نشان دادن بی‌ثباتی معنا، یعنی معنا همیشه در حال تغییر بوده و هرگز کامل فهم و درک نمی‌شود؛

۶- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی و ۷- ارائه روش جدید در مطالعه متون رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست و... (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۴۱).

اینک این پرسش مطرح می‌شود که این روش در تفسیر مدیریتی و یا فهم و درک مدالیل و کشف و استخراج نکات و پیام‌های مدیریتی قرآن کریم چگونه و با چی فرایندی اجرا می‌شود؟

چگونگی استخدام و اجرای روش یاد شده جهت تحلیل متن (آیات مدیریتی) و جستجوی معنای مورد نظر گوینده، در چهار سطح (صورت، معنا، گفتمان و ایدئولوژی) قابل بحث و بررسی است. قبل از بیان اجمالی سطوح چهارگانه لازم به ذکر است که پرداختن تفصیلی سطوح مستلزم مجال بیشتری است که این نوشتار گنجایش آن را ندارد (ر.ک: رضا امانی، ۱۳۹۰: ۸، ش ۲، ۱۱۶-۱۳۹).

سطح نخست؛ یعنی صورت (شکل) مباحث واژه‌شناسی و ساختارهای دستوری زبان را در بر دارد و سطح دوم؛ یعنی معنا، بیشتر در بررسی مباحث لغوی نمود دارد. سطح سوم گفتمان است که روی کرد ساختاری به متن می‌باشد که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی (و مدیریتی) را فراهم می‌کند و سطح چهارم و آخرین سطح ایدئولوژی است که ایدئولوژی نیز در مفهوم عام آن، مجموعه‌ای از باورها یا فرض‌هایی

۸۷ که آگاهانه می‌پذیریم که فرایندی است که به واسطه آن، معناهای ثانویه به پیامی داده می‌شود که توسط واژه‌های اولیه تولید شده است (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۶). با کاربرست سطوح یاد شده امکان کشف و استخراج معانی و پیام‌های دقیق و عمیق قرآن کریم در حوزه سازمان و مدیریت فراهم می‌شود.

۵. روش تحلیل محتوا «content analysis»

روش تحلیل محتوی یکی از مهم‌ترین و پرکاربرترین روش‌های پژوهش است که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تاریخچه این روش به مطالعات الهیات در اواخر سده هفتم بر می‌گردد (کرپندورف، ۱۳۸۳: ۹). تعاریف زیادی از این روش شده است که به نمونه‌هایی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد: تحلیل محتوی، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (راجردی، ۱۳۸۴).

تحلیل محتوی عبارت است از مجموعه فنون تحلیل ارتباط، که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی بکار می‌رود (باردن، ۱۳۷۴: ۳۸). در تعریف دیگر که به نظر جامع‌تر می‌رسد آمده است: «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر» (کرپندورف، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۶). در این تعریف بر سه واژه «عینیت»، «کمیت» و «سیستماتیک بودن» تأکید شده است. «عینیت» اشاره به این دارد که این پژوهش بر اساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام می‌گیرد. بنابراین، به منظور اجتناب از سوگیری نظر محقق در فرآیند تحقیق می‌بایست تحقیق توسط مجموعه صریح و مشخصی از قواعد هدایت شود (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۹۰).

هدف از بهره‌گیری و استفاده از روش تحلیل محتوی آگاهی از اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات نویسنده متن یا فرد مصاحبه شونده است به عبارت دیگر در تحلیل محتوی، شناخت ناخودآگاه متن و صاحب متن مورد نظر است (freud, s. ۱۹۸۹).

در یک تقسیم‌بندی مشخص در سال ۱۹۵۲ «برنارد برلسون» پنج هدف اصلی را برای این روش مشخص کرده است که عبارتند از: ۱- توصیف ویژگی‌های اصلی محتوی پیام، ۲- توصیف ویژگی‌های شکلی محتوی پیام، ۳- استنباط مورد نظر تهیه‌کنندگان محتوی، ۴- استنباط برداشت مخاطبان پیام از محتوی آن، ۵- پیش‌بینی اثرات محتوی بر مخاطبان (قائدی، گلشنی، ۱۳۹۵: س ۷، ش ۲۳، ۵۷-۸۲).

لازم به یادآوری است که این روش قابلیت و ظرفیت بهره‌گیری و استفاده در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مطالعات رسانه‌ای و ... را دارد هدف و غایت اصلی و تلاش در روش یاد شده بر این است که از طریق کدگذاری باز، محوری و زمینه‌ای، مقولات محتوایی موجود در پیام‌های ارتباطی شناسایی و استخراج گردد.

کارکردها و قابلیت‌های استفاده از این روش در تفسیر و برداشت مدیریتی آیات کلام وحی به این شکل است که قرآن پژوه با تمسک به این روش جهت فهم و درک هرچه دقیق‌تر مراد و مقصود خداوند متعال آیات کلام وحی را درباره موضوع و مسئله خاص به دقت مورد مطالعه قرار می‌دهد و از مجموع آیات ذکر شده در آن حوزه پاسخ پرسش‌های مطرح شده را بیان می‌کند به‌عنوان مثال: خداوند متعال در آیات متعدد مسئله

۸۹ علم و دانش که از آن به تخصص و اطلاعات می‌توان یاد کرد را یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات بارز و حتمی مدیران ذکر می‌کند؛ لذا در مورد انتخاب طالوت برای فرماندهی و مدیریت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره/۲۴۷)؛ خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است...» و نیز درباره حضرت یوسف (ع) که می‌فرماید: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵)؛ و همچنین از حضرت موسی (ع) به «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص/۲۶) یاد می‌کند.

غرض آنکه از تحلیل محتوی آیات مطرح شده به آسانی قابل کشف و استخراج است که تخصص و قدرت فیزیکی و جسمی یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ملاکات انتخاب و گزینش افراد برای پست مدیریتی بوده و شخص مدیر باید مجهز به این دو بال باشد.

۶. روش حکمی اجتهادی

روش‌شناسی حکمی - اجتهادی یکی از الگوهای علمی در مطالعات علوم انسانی - اجتماعی برای تبیین و توصیف روشمند و نظام‌مند گفتمان و رفتار جامعه مطلوب از یک سو و تبیین و توصیف انسان یا پدیده‌های اجتماعی محقق (موجود) از سوی دیگر است. الگوی حکمی - اجتهادی، مدلی است که آقای خسرو پناه برای شناخت و تمایز یک نظریه با نظریه دیگر و تولید علوم انسانی اسلامی پیشنهاد و ارائه کرده است. این الگو از پنج رکن نظام فلسفی اسلام، نظام انسان‌شناسی اسلام، نظام ارزشی اسلام، نظام مکتبی (رفتاری و اجتماعی) اسلام و نظام روش‌شناختی اسلام تشکیل شده است. (خسرو پناه، ۱۳۹۰: س ۸، ش ۳، ۲۹)، ایشان در تبیین و توصیف الگوی پیشنهادی خود چنین می‌نویسد: «توصیف انسان مطلوب در مکاتب مختلف مبتنی بر فلسفه واقعیت است. منظور از فلسفه واقعیت هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است. در نظام‌های سکولار با این رویکرد که تنها فاعل شناسا انسان است به توصیف انسان مطلوب مبتنی بر فلسفه واقعیت می‌پردازد؛ تا بتوانند انسان خاص مطلوب سیاسی، اقتصادی و ... را معرفی کنند.» (خسرو پناه، ۱۳۹۱: ۳۰).

فلسفه واقعیت مبنای توصیف انسان مطلوب است و در تغییر از مبنایی به نام فلسفه ارزش استفاده می‌شود. علوم رفتاری و اجتماعی بر اساس الگوی حکمی - اجتهادی همان ساختار سکولار را دارد به این معنا که ما سه‌گام توصیف انسان مطلوب، انسان محقق یافته و نقد و تغییرش را انجام می‌دهیم و از این لحاظ تفاوتی با الگوی سکولار ندارد؛

اما تفاوت و تمایز این دو در اینجا است که توصیف انسان مطلوب بر اساس حکمت و فلسفه واقعی است که رویکرد اسلامی دارد؛ یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی است که مبنای توصیف انسان مطلوب می‌شود و انسان تحقق‌یافته برای تغییر به انسان مطلوب مبتنی بر فلسفه ارزش اسلامی است.

صاحب نظریه تفاوت و تمایز اساسی در علوم رفتاری- اجتماعی سکولار با علوم رفتاری و اجتماعی حکمی- اجتهادی را مربوط به «روش‌شناسی» تولید علوم انسانی دانسته و ابراز می‌دارد: «در روش الگوی حکمی- اجتهادی توصیف انسان مطلوب مبتنی بر روش استدلالی و اجتهادی است و توصیف انسان تحقق‌یافته مبتنی بر روش تبیینی- تفسیری اجتهادی است و تغییر انسان محقق به انسان مطلوب در این الگو مبتنی بر روش تبیینی- تفسیری و استدلالی و اجتهادی است» (خسرو پناه: ۱۳۹۱: ۳۵).

لازم به ذکر است چگونگی استفاده و بهره‌گیری از این روش در تفسیر مدیریتی قرآن کریم در مقاله‌ی تحت عنوان «تبیین و نقد و بررسی الگوی انگیزشی X و Y بر اساس مبانی مدیریت قرآن بنیان» از نویسنده این سطور تبیین و تشریح گردیده است (صفری، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

نتیجه

بر پایه جستارهای صورت گرفته مشخص گردید که به خاطر گسترش علوم، افزایش تخصص‌گرایی، نیازهای عصر حاضر، چندتباری بودن بعضی از علوم و مسائل، اندیشمندان و صاحب‌نظران، مطالعات میان‌رشته‌ای را طراحی و راه‌اندازی کرده‌اند و از آنجا که ثمر بخشی مطالعات میان‌رشته‌ای منوط به فهم و درک روش‌شناسی آن بود، روش‌هایی را جهت مطالعات آن پیشنهاد داده‌اند که در حد و وسع در این نوشتار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. عمده روش‌های مطرح شده در این حوزه عبارتند از: روش‌های فراتحلیل «meta-analysis»، گراند تئوری «Grounded Theory»، تحلیل مضمون یا شبکه مضامین «Thematic Analysis»، تحلیل گفتمان «Discourse analysis»، تحلیل محتوا «content analysis» و حکمی - اجتهادی «Wisdom-Ijtihad» پژوهشگر با استناد از روش‌های ذکر شده به بررسی علمی و نظام‌مند پدیده‌ها و روابط بین آنها می‌پردازد. هر چند از روش‌های یاد شده در حوزه تفسیر و برداشت‌های مدیریتی از قرآن کریم در مواردی مانند: تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی، بررسی پایه‌های نظری تعالی فرد در سازمان از دیدگاه قرآن کریم، کشف، تبیین و کاربردی کردن گزاره‌های مدیریتی قرآن کریم و مقایسه آن با گزاره‌های مدیریتی موجود در ادبیات دانش سازمان و مدیریت غرب، و کشف و استخراج نکات و پیام‌های مدیریتی قرآن کریم، فهم و درک هرچه دقیق‌تر مراد و مقصود خداوند متعال از آیات قرآن کریم در زمینه موضوع و مسئله خاص و بررسی و نقد الگوی انگیزشی X و Y و... بهره برده شده است، لیکن هنوز در آغاز راه بوده و نیازمند مطالعات تفسیری بیشتری با گرایش‌های گوناگون آن (مدیریت، سیاست، اقتصاد، حقوق و...) می‌باشد.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

أزکیا، مصطفی (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، کیهان.

آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.

امانی، رضا، شادمان، یسرا (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان معنا در تفسیر کشاف، تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س) ۸، ش ۲، ص ۱۶ الی ۱۳۹.

ایمان، محمد تقی، خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵)، فرا - تحلیل، روشی برای مطالعه مطالعات، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۴۹، ص ۱۲ الی ۸۳.

باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوی، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

بشیر، حسن (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ چهارم.

بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول.

خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، الگوی حکمی - اجتهادی علوم انسانی، جاویدان خرد، ۸، ش ۱۹، ص ۲۹ الی ۶۶، بهار و تابستان.

خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)، در جستجوی علوم انسانی اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، اول.

دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۶)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکرد جامع تهران، انتشارات صفار.

دایک، تون و م. آریانوس فان (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستوری متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و همکاران، ویراسته مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. دلاور، علی (۱۳۷۶)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.

ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.

راجردی، ویمر دومینیک، جوزف آر (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، سروش و مرکز تحقیقات مطالعاتی و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، نشر علم، چاپ اول. سیاری، سعیده، فرامرز قرا ملکی، احد (۱۳۸۹)، مطالعات میان رشته‌ای: مبانی و رهیافت‌ها، فلسفه و کلام اسلامی، ش ۲، از صفحه ۵۹ الی ۸۲، س ۴۳، پاییز و زمستان. صالحی زاده، عبد الهانی (۱۳۹۰)، در آمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو، روش‌های تحقیق کیفی، معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۲، ش ۳، ص ۱۱۳ الی ۱۴۱، تابستان.

صفری، علی آقا (۱۳۹۷)، تبیین و نقد و بررسی الگوی انگیزشی X و Y بر اساس مبانی مدیریت قرآن بنیان، مجموعه مقالات همایش علوم انسانی قرآن بنیان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

صلح جو، علی (۱۳۸۳)، گفتمان و ترجمه، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.

عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کار آمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۷۹ س پنجم، پاییز و زمستان.

علایی زاده، محمود، و همکاران (۱۳۹۴)، بررسی پایه‌های نظری تعالی فرد در سازمان از دیدگاه قرآن کریم، مدیریت اسلامی، س ۲۳، ش ۴، ص ۱۳۵ الی ۱۵۳، زمستان. فر کلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فرامرزی قرا ملکی، احد (۱۳۹۲)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذار، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ اول. قائدی، محمد رضا، گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحلیل محتوی، از کمی گرایی تا کیفی گرایی، محمد رضا قائدی و علیرضا گلشنی، مجله: روش‌ها و مدل‌های روان شناختی، س ۷، ش ۲۳، ص ۵۷ الی ۸۲.

کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران نشر نی، چاپ یازدهم.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، روش‌شناسی تحلیل مضمون و کار برد آن در سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، س ۴، شماره ۲، ص ۱۸۹-۲۰۸، تابستان.

گال، مردیت، بورگ، والتر، وگال، جویس (۱۹۹۶)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه، احمد رضا نصر و همکاران، تهران، انتشارات سمت.

مراد خانی، احمد (۱۳۸۶)، *سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، *گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟* همایش چالش‌های علم اطلاعات، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

میرزا اف، عبد الهاشم (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی رویکردهای نظریه‌پردازی آیات تصمیم‌گیری در منابع مدیریت اسلامی*، مجموعه مقالات قرآن و مدیریت ج ۲، ص ۱۰۵ الی ۱۳۴، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

نیکول، ر، کوله (۱۳۸۸)، *آموزش دانشگاهی و مطالعات میان‌رشته‌ای*، ترجمه، محمد رضا دهشیری، تهران، پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹)، «*فرا ترکیب نتایج واکاوی‌های کیفی و مطالعات فرهنگی: واقعیت یا توهم*، برگ فرهنگ، ش ۲۲، ۲۴ الی ۴۵، پاییز و زمستان.

یار محمدی، لطف‌الله، خسروی نیک، مجید، ۱۳۸۲، *شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری اجتماعی*، نامه فرهنگ، س ۴۲، صص ۱۸۱-۱۷۳.

Repko, A. F. (۲۰۰۵), *Interdisciplinary practice: A student guide to research and writing*, Boston: Pearson Custom.

Newell, W. H. (۲۰۰۷), "Six arguments for agreeing on a definition of

interdisciplinary studies", *Association for Integrative Studies Newsletter*, Vol. ۲۹, No. ۴.

.Palmer, Carole (۱۹۹۹). Structures and Strategies of interdisciplinary science, *Journal of the American society for information science and technology*. صص ۲۴۲-۲۵۳.

- Mansilla & Gardiner, Veronica and Howard, Assessing Interdisciplinary Work at the Frontier: An Empirical Exploration of Symptoms of Quality, CNRS, France, ۲۰۰۳.
- Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. ۳, No. ۲, Pp. ۷۷-۱۰۱.
- Glass, G. V. Primary, secondary, and meta- analysis of research. *Educational researcher*, ۵, (۱۹۷۶) ۸-۳
- Glass, G.V(۱۹۷۷). Integrating findings: The meta-analysis of research.
- Review of Research in education, ۵, ۳۵۱-۳۷۹, in Lyons, Larry C. & Manassas Va. (۱۹۹۸). *Meta-Analysis: Methods of Accumulating Results across Research Domains* <http://www.nsinc.com/solomon/metaA/Mapage۳.html>
- Doyle, I, H , (۲۰۰۳) "Synthesis through Meta-ethnography: paradoxes, Enhancements, and Possibilities", *Qualitative Research*, ۳, ۳۲۱-۳۴۵.
- Chiu, Irene & Brennau ۱۹۹۰. The Effectiveness of some Techniques for Improving Mail Survey Response Rates: A meta-analysis, *Marketing Bulletin*, Vol ۱, PP. ۱۸-۱۳
- Scherpenzeel, A. (۱۹۹۷). The validity and reliability of survey question: A meta-analysis of MTMM studies. *Sociological Methods and Research*, ۲۵ (۳), ۳۴۱
- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm L. (۱۹۶۵), *Awareness of Dying*.
- Martin & Turner, ۱۹۸۶, p.۱۴۱; Fernández, ۲۰۰۴, p.۸۴
- Creswell, J. W. (۲۰۰۵), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (۲nd edition).

- Holloway, I. & Todres, L. (۲۰۰۳), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", *Qualitative Research*, Vol. ۳, No. ۳, Pp. ۳۴۵-۳۵۷.
- Boyatzis, R. E. (۱۹۹۸.p.۴), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage.
- Given L. M. (۲۰۰۸: ۸۶۷) *the sage encyclopedia of qualitative Methods*. Vol. California: Sage.
- Attride-Stirling, J. (۲۰۰۱), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. ۱, No. ۳, Pp. ۳۸۵-۴۰۵.
- Freud, S. (۱۹۸۹), *Introduction a La Psychanalyse*, Petit Bibliotheque Payot